



گواهی می‌شود:

جناب آقای عبدالله صفرزایی به درخواست بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران مقالات
بندر تنگ، سند، قفص، کیج، سدیح، گوادر، مکران، را جهت درج در
دانشنامه خلیج فارس تألیف کرده‌اند، که به تأیید رسیده و در آینده در دانشنامه
مذکور چاپ خواهد شد.

من برای
مسئول دفتر نشر و انتشارات
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران
معاون پژوهشی



دانشنامه خلیج فارس / زیر نظر شورای علمی دانشنامه خلیج فارس؛ دبیران علمی فرح‌اله احمدی، منوچهر اکبری، حسین یکتا؛ ویراستاران علمی فرح‌اله احمدی... [و دیگران]. - تهران: بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران، ۱۳۹۴.
ج ۲: مصور (بخشی رنگی)، جدول، نمودار (بخشی رنگی). - (کتابخانه بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران؛ ۶۵؛ ۶۶)

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۱۵-۷۵-۹ (دوره)

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۱۵-۷۴-۲ (ج ۲)

Encyclopedia of Persian Gulf

عنوان اصلی:

ویراستاران علمی: فرح‌اله احمدی، کمال پولادی، عبدالرسول خیراندیش، حسین یکتا.

ج ۱. آ-ژ ج ۲. س-ی.

۱. خلیج فارس - دایرةالمعارف الف. احمدی، فرح‌اله، ۱۳۳۷ - دبیر، ویراستار ب. اکبری، منوچهر، ۱۳۳۵ - دبیر ج. یکتا، حسین، دبیر

د. شورای علمی دانشنامه خلیج فارس ه بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران و. عنوان

۱۳۹۴ ۲۱۳۴/۵۲ DSR ۹۵۵/۷۳۵

کتابخانه ملی ایران ۴۱۲۸۳۴۸

حق چاپ برای بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران محفوظ است.

دانشنامه خلیج فارس (جلد دوم «حروف س - ی»)

زیر نظر شورای علمی دانشنامه خلیج فارس

دبیران علمی: احمدی، فرح‌اله؛ اکبری، منوچهر؛ یکتا، حسین

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰

ناشر: بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران

چاپخانه: نابنگار

بهای دوره دوجلدی: ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978-964-5515-74-2 (vol. 2)
ISBN: 978-964-5515-75-9 (vol.set)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۱۵-۷۴-۲ (ج. ۲)
۹۷۸-۹۶۴-۵۵۱۵-۷۵-۹ (دوره)

بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران

نشانی: تهران، سعادت‌آباد، بلوار فرهنگ، خیابان معارف، بن‌بست دانش، پلاک ۱

تلفن: ۴-۲۲۱۲۹۸۴۳ نمابر: ۲۲۰۷۳۲۲۷ صندوق پستی: ۴۷۸-۱۴۶۵۵

پست الکترونیکی: info@iecf.ir پایگاه الکترونیکی: www.iecf.ir

دسترس است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۹۴). در هریک از این ۷ کوه رئیسی بود که اهالی فرامین او را با دقت انجام می‌دادند. اینان کمتر از اسب استفاده می‌کردند و بیشتر پیاده بودند (بارتولد، ۱۳۸۶: ۱۶۵). راه‌های کاروان‌رو را تا بیابان لوت در اختیار داشتند و پیشه اصلی آنان راهزنی و غارتگری بود. امروزه کوه‌هایی به نام قفص در منطقه وجود ندارد. به احتمال زیاد، ملکی قوم قفص کوه‌های بَشاگرد کنونی بود که به چندین بلوک تقسیم می‌شد. این کوه‌ها از شمال به رودبار، از مشرق به مکران، از جنوب به جاسک و از غرب به لارستان منتهی می‌شوند. دست یافتن به این کوه‌ها فوق‌العاده مشکل است و برای حمل محمولات فقط الاغ‌های بومی کاربرد دارند (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۸۶: ۳۳۰). باستانی پاریزی جیرفت و نواحی جبال بارز را تیول قبایل قفص می‌داند که راه تجارتی جیرفت به میناب را مورد دستبرد قرار می‌دادند (سیدسجادی، همان: ۱۳۱۳).

درباره اصل و منشأ این طوایف، اختلاف نظرهای بسیار وجود دارد. جغرافی‌نویسان سده‌های سوم و چهارم هجری قمری نخستین کسانی هستند که از این اقوام و خصوصیات آنان اطلاعاتی بر جای گذاشته‌اند. بیشتر این منابع اذعان دارند که اقوام قفص در اصل عرب بوده‌اند که به این نواحی کوچ کرده بودند. به نوشته مقدسی، قفص‌ها زبان نآشنایی دارند و همانند سندی‌ها، زبان آنان نامفهوم است (مقدسی، همان: ۶۹۵). مورخان سده‌های میانه نیز همین اعتقاد را دارند. تحقیقات انجام‌شده درباره گویش‌های اهالی کوه‌های بَشاگرد مشخص کرده است که این زبان ریشه در زبان‌های ایرانی دارد. بعضی از پژوهشگران، کوچ‌ها را با کوشانیان ارتباط می‌دهند که در اوایل دوره ساسانی در مناطق شرقی امپراتوری آنان قدرت چشمگیر داشتند (افضل‌الدین کرمانی، همان: ۳۳۲). خصوصیات زبانی، شیوه معیشت و حضور آنان در کنار کرمانیان علیه اعراب مسلمان و اینکه نام این اقوام همواره در کنار بلوچ‌ها ذکر شده است، به ایرانی بودن این اقوام دلالت دارد. محدوده اقتدار آنان در سلسله‌جبال قفص بود، اما هرگاه قدرت آنان فراتر می‌رفت تا نقاط دور دست از جمله بر سر راه‌های کویری اصفهان به خراسان نیز حضور می‌یافتند و مزاحمت‌های جدی برای کاروان‌ها ایجاد می‌کردند. در منابع سده‌های میانه درباره این قبایل چنین آمده است: «ساکنان جبال القفص مردمی بودند بدسیرت، بی‌رحم و سنگدل با چهره‌هایی هول‌انگیز و شیجاع و چالاک. به هرکس دست می‌یافتند همان‌گونه که مار را سر می‌کوبند سر او را با سنگ می‌کوبیدند» (لسترنج، ۱۳۸۳: ۳۴۶). در تحمل گرسنگی و تشنگی بسیار شکیبا بودند و چهره بارز آنان چپاولگری کاروان‌ها بوده است. آنان با اینکه اسب نداشتند، پیاده به تاخت‌وتاز می‌پرداختند و از کوه‌های قفص در مزر جیرفت همچون ملخ به کویر سرازیر می‌شدند و تهاجم آنان همه کرمان و بلوک سرحدی فارس و سیستان را دچار وحشت می‌کرد (بارتولد، همان: ۱۶۵). چنین عملکردهای قبایل قفص تأثیر مستقیم و جدی بر کاروان‌های تجاری داشت که از بنادر خلیج فارس و دریای

جزایر ابوالجریب، یاسات، ارزانه، دلما و داس نیز چنین ویژگی دارند. آب‌وهوای این ناحیه به‌صورت عمومی خشک است. گرم‌ترین ماه‌های سال در ژوئیه و اوت/تیر و مرداد است. در این ماه‌ها میانگین دما به بالای ۴۸° سانتی‌گراد می‌رسد. در ماه ژانویه و فوریه/بهمن و اسفند، که دمای هوا کاهش پیدا می‌کند، میانگین دمای هوا به حدود ۱۰° سانتی‌گراد می‌رسد. میانگین بارش سالانه در این نواحی بسیار اندک و حدود ۱۲۰ میلی‌متر است که در فصل سرد نازل می‌شود.

مردم جزیره قفای عرب هستند و از نواحی گوناگون کشور امارات به این جزیره آمده‌اند. زبان این مردم عربی است. به‌جز زبان عربی، انگلیسی نیز در این جزیره رواج دارد. دین مردم قفای اسلام است و بیشتر مردم اهل تسنن هستند (Ibid).

کتاب‌شناسی

جعفری ولدانی، اصغر. ۱۳۷۴، *تحولات مرزها و نقش ژئوپولیتیک آن در خلیج فارس*. تهران: قومس.
 نقشه سیاسی و تاریخی خلیج فارس [بی‌تا]. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، شماره ۱۹۲.
 هارلی، دونالد. ۱۳۷۷، *دریای پارس و سرزمین‌های متصل*. ترجمه حسن زنگنه. قم: مرکز بوشهرشناسی و مؤسسه فرهنگی همسایه.
<http://www.ipis.ior>.

فیروز رنجبر

فَقْص / Qofs

قبایل کوهستانی و راهزن ساکن در دامنه رشته‌کوهی به همین نام در غرب مکران قدیم و مرزهای جنوب شرقی کرمان با تأثیرگذاری ماندگار بر فرایند تجاری خلیج فارس و دریای عمان از قرون باستان تا دوره قاجاریه.

قفص در منابع به اشکال گوناگون قفص، قفس، کوفج، کوفچ، کفج، کفج، قبج و کوچ آمده است. صورت رایج آن در فارسی کوچ و در عربی قفص است (سید سجادی، ۱۳۷۴: ۲۹۴). نام قبایل قفص در بیشتر منابع در کنار بلوچ‌ها آمده که از دیرباز بر کاروان‌های تجاری بنادر دریایی عمان و خلیج فارس تأثیرگذار بوده‌اند. جغرافی‌نویسان سده‌های میانه، سلسله‌جبال قفص راه که محل زندگی قبایل قفص بود، در مرزهای بین کرمان و بلوچستان امروزی معرفی کرده‌اند که از جانب شمال از جیرفت فراتر نمی‌رفت و در جنوب تا نزدیکی‌های دریای عمان امتداد داشت. اصطخری در مسالک و ممالک حدود این کوه‌ها را چنین می‌نویسد: «از طرف جنوبی کوهستان قفص دریاست و شمالی آن حدود جیرفت و رودبار و کوهستان ابی‌غانم است. شرقی آن اخواش است و بیابانی که میان قفص و مکران و غربی آن بلوص/بلوچ است و حدود منوجان و نواحی هرمز» (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۴). مقدسی کوه‌های قفص را در شمار کوه‌های سرزمین کرمان ذکر کرده و حدود آن را همان آورده که اصطخری بیان کرده بود و آن را شامل ۷ کوه پرنخل یا کشتزارهای حاصلخیز دانسته که دور از

حذف شده باشند. احمدعلی خان وزیر در کتاب *جغرافیای کرمان* آورده است که طایفه مهنی از چادونشینان کوهستان‌های حدود جیرفت از ایلات قدیم کرمان و بازماندگان ایل کوچ هستند که به خاطر سخت‌گیری‌های سلاطین کرمان همین گروه اندک از آنان باقی مانده است. باستانی پاریزی ضمن تأیید این نظر، قبیله‌ای به نام کوچمی را، که در هنزای جیرفت زندگی می‌کنند، جزء بازماندگان کوچان معرفی می‌کند (سید سجادی، همان: ۳۱۳).

درباره اعتقادات کوچان تصویری روشن‌تر وجود دارد. ابن‌وقیل و مقدسی از شیعه بودن آنان سخن رانده‌اند. یاقوت حموی و رهنی کرمانی بر این باور بودند که اینان دین درستی نداشته‌اند، اما نشان داده‌اند که ارادتت خاص به حضرت علی (ع) داشته‌اند (همان: ۳۱۱). اقتصاد مردم این منطقه با کشاورزی، شیبانی و بازرگانی پیوند داشته است. بیشتر نویسندگان، کوه‌های قفص را مناطقی آباد دانسته‌اند که محصولاتی نظیر خرما، میوه، غلات، ذرت، زیره، نیشکر و غیره در آنها به‌عمل می‌آمد و به نواحی دیگر حمل می‌شد. همچنین به‌علت نزدیکی این منطقه به بندر خلیج فارس و دریای عمان، ساکنان این منطقه نقشی بسزا در حمل‌ونقل کالا از شهرهای مرکزی ایران به بندر و بالعکس داشته‌اند.

کتاب‌شناسی

- اصطخری، ابراهیم. ۱۳۷۳، *سالمک و ممالک*. ترجمه محمدبن اسعدبن عبدالله تستری. تهران: موقوفات محمود افشار.
- افضل‌الدین کرمانی، احمدبن حامد. ۱۳۸۶، *سلجوقیان و غز در کرمان*. تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علم.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. ۱۳۸۶، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*. ترجمه حمزه سردادور، ج ۳. تهران: توس.
- بیهقی، محمدبن حسین. ۱۳۸۳، *تاریخ بیهقی*. به کوشش خلیل خطیب رهبر، ج ۱، ج ۹. تهران: مهتاب.
- سیدسجادی، منصور. ۱۳۷۴، *هشت گفتار باستان‌شناسی و تاریخ بلوچستان*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۸۶، *شاهنامه*. تصحیح ژول مول، به کوشش پرویز اتابکی، ج ۴. تهران: علمی و فرهنگی.
- لسترینج، گای. ۱۳۸۳، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.
- مقدسی، محمدبن احمد. ۱۳۸۵، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: کوش.
- نظام‌الملک، حسن‌بن علی. ۱۳۸۵، *سیاستنامه (سیرالملوک)*. متن فارسی از قرن پنجم هجری. به کوشش جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.

عبدالله صفرزایی

قلهات / Qalhāt

بندر و شهری باستانی در سواحل جنوبی خلیج فارس در سلطان‌نشین عمان و دارای آثاری از دوره باستان تا قرون میانی اسلامی.

بندر باستانی قلهات در ۱۵ کیلومتری شمال شهر بندری صور در شمال شرقی عمان واقع است (نقشه ۱). این بندر در محدوده‌ای

عمان مانند بندر هرمز، جاسک و تیس با نواحی داخلی ایران به تجارت می‌پرداختند. با توجه به کوهستانی بودن منطقه و چابکی، چالاکي و سخت‌کوشی این اقوام، حکومت‌های ایرانی هیچ‌گاه نتوانستند آنان را به‌طور کامل قلع و قمع کنند. این اقوام امنیت منطقه را تهدید می‌کردند و برای حاکمان کرمان، سیستان و فارس مایه دردسر و دغدغه بودند. در منابع به‌کرات آمده است: قفص‌ها به‌جز بلوچ‌ها، که در همسایگی آنان قرار داشتند، از هیچ‌کس دیگر ترس و هراس نداشتند (مقدسی، همان: ۶۹۵).

فردوسی در شاهنامه از قبایل «کوچ» در کنار بلوچ‌ها یاد کرده و روایت‌هایی جالب از آنان در حوادث دوران سیاوش، کیخسرو و حتی زمان اردشیر و انوشیروان ساسانی آورده است. کشتار بی‌امان اقوام کوچ و بلوچ به‌دست انوشیروان مثنی از خروار است که فردوسی نقل کرده است (شاهنامه، ۱۳۸۶: ۱۷۶۵). در سال‌های آغاز سده سوم هجری، دایره اقتدار قبایل قفص گسترش یافت و شهرهای بم، نرماشیر و خبیص تحت نظارت آنان قرار گرفت. یعقوب لیث، پس از قدرت‌گیری در سیستان و مناطق همجوار، تعداد زیادی از آنان را دستگیر و تبعید کرد و سرکردگان‌شان را از بین برد. در نتیجه، سرکردگی و اقتدار آنان از بین رفت (سید سجادی، همان: ۳۰۵). پس از مرگ یعقوب و محدود شدن قدرت صفاریان در سیستان، تاخت‌وتاز کوچان بیشتر شدت یافت. خواجه نظام‌الملک طوسی در ذکر سیاست و تدبیر سلطان محمود غزنوی به از بین بردن قبایل راهزن کوچ و بلوچ با سبب‌های مسموم اشاره کرده است (نظام‌الملک، ۱۳۸۵: ۸۲-۷۵). با روی کار آمدن دیلمیان، مقتدرترین امیر آنان یعنی عضدالدوله برای تحت نظارت گرفتن قبایل قفص چاره‌ای اندیشید. مقدسی در این‌باره آورده است: «عضدالدوله بر ایشان تاخت، پس بلوچ‌ها را نابود ساخت و قفص‌ها را بپراکند و هشتاد جوان از ایشان را گروگان گرفت که تاکنون در زندان شیرازند. هر چندگاه ایشان را پس می‌فرستد و هشتاد تن دیگر به جای‌شان می‌آیند» (مقدسی، همان: ۷۱۷). عضدالدوله با این سیاست نه فقط امنیت کاروان‌های تجاری را تضمین کرد بلکه حوزه اقتدار آنان را محدود کرده و تحت نظارت گرفت. عملکرد عضدالدوله به سستی تبدیل شد که حکومت‌های بعدی از این روش برای نظارت بر این قبایل استفاده می‌کردند. پس از آنکه سلسله آل بویه رو به ضعف گذاشت، تاخت‌وتاز این قوم تجدید شد. کوه‌نشینان مزبور سرتاسر قسمت‌های جنوبی کرمان و شهر جیرفت را مالک شدند تا اینکه قاورد، مؤسس سلسله سلجوقیان کرمان، با ترفندهای مناسب این ولایات را از آنان گرفت و آنان را مطیع خود ساخت. (بارتولد، همان: ۱۶۵).

پس از دوره سلجوقیان، حضور اقوام مزبور در منطقه کم‌رنگ شد و از دوره قاجاریه به بعد تقریباً از آنان ذکری به میان نمی‌آید. به‌نظر می‌رسد کشتار این اقوام از زمان انوشیروان تا دوره سلجوقیان و پراکندن آنها در سایر نقاط کشور باعث شده تا جمعیت این قوم کاهش یافته یا اینکه همه آنها از صفحه تاریخ